



۱۴

۳درمان تازه عفونت مجاری ادراری

ایجاد شبکه بازار فروش در ۱۴شهر و روستای صنایع دستی



۱۶



۱۵

فناوری‌هایی که المپیک را جذاب‌تر کرد



سه‌شنبه ۱۲ مرداد ۱۴۰۰ شماره ۶۰۰



حق با
شماست

info@amejamdaily.ir

روابط عمومی: ۰۲۳۰۴۴۴۴



#اسلامشهر-مزاحمت

قربانی از اسلامشهر:

حضور بعضی از شهروندان تا نزدیک صبح در پارک نواب صفوی اسلامشهر باعث ایجاد سروصد و آزار ساکنان شده که متأسفانه علت اصلی آن روشنایی دائم این پارک است.



#بوستان-تصادف

کریبی از تهران:

کمبود جای پارک در محدوده بوستان مادر که در محله جوانمرد و بلوار دستواره واقع است، باعث شده خودروها در حاشیه بلوار پارک کنند و در نتیجه ترافیک و گاهی تصادف در نیمه‌های شب روی دهد.



#بازنشسته-حقوق

جمعی از بازنشستگان:

چرا مجلس و دولت قانون همسان‌سازی حقوق بازنشستگان را به تأخیر می‌اندازند و به فکر بازنشستگان نیستند؟



#ازحام-واکسیناسیون

عزیزی از تهران:

برای تزریق واکسن به سوله مدیریت بحران در بزرگراه حقانی تهران مراجعه کردم و بازحام جمعیت مواجه شدم. این وضعیت تا چه زمانی ادامه دارد؟



#زنان-خانه‌دار

حسنی از تهران:

چرا سازمان تأمین اجتماعی تمهیدی نمی‌اندیشد تا زنان خانه‌دار که درآمدی ندارند، بتوانند از مستمری ماهانه استفاده کنند؟



#چیتگر-ترافیک

علیان از تهران:

ترافیک سنگین در اطراف دریاچه چیتگر در روزهای تعطیل به علت نبود جای پارک مناسب و علائم راهنما به یک معضل اساسی تبدیل شده است.



#حفاری-شهرداری

اسماعیلی از تهران:

بلوار ده‌حقی در منطقه ۱۴، پنج‌ماه است که توسط شهرداری احتمالا برای کارهای عمرانی حدود دومتر حفر شده و رها شده است. نه شهرداری و نه نهادهای دیگر شهری توجهی به آن ندارند. این بی‌توجهی سبب سخت شدن رفت و آمد شهروندان و خودروها در این منطقه شده است.

جوابیه

در پی درج پیامی یکشنبه ۱۴۰۰/۴/۲۰ با عنوان «آبیاری شمشادها در خیابان‌حصاری» رئیس اداره روابط عمومی شهرداری منطقه ۳ شهر تهران با ارسال نمایی اعلام کرد: آبیاری باغچه‌های خیابان‌حصاری مطابق برنامه آبیاری، دوبار در هفته انجام می‌شود.

گذرازی بی‌تفاوتی

آیا جامعه ایران نسبت به مسائل مختلف بی‌تفاوت شده است؟
این مساله و راهکارهای آن را با کارشناسان در میان گذاشته ایم



آیا ما نسبت به اتفاقات پیرامون‌مان بی‌تفاوت شده‌ایم؟ پاسخ پژوهش‌ها و مطالعات صورت گرفته طی دو دهه گذشته به این پرسش یک بله قطعی است. به این مفهوم که جامعه‌شناسان معتقدند جامعه ایرانی سال به سال نسبت به اتفاقات اطرافش بی‌تفاوت‌تر شده است. مولفه‌های پژوهشگران این حوزه در اثبات بی‌تفاوت‌تر شدن جامعه ایرانی چیست؟ چه شاخص‌هایی باعث شده حالا آنها هشدار بدهند موج بی‌تفاوتی جامعه ایرانی را فراگرفته است؟ فارغ از این شاخص‌ها اتفاقات و اخبار چند سال اخیر پیرامون‌مان هم نشان از تایید نظر



میثم اسماعیلی

جامعه

جامعه‌شناسان است. بارها شده در نزاعی-که حالا خیلی هم عادی شده- تنها نقش تماشاگر را داشته باشیم در حالی که شاید پیش از این به عنوان یک کنشگر وارد مهلکه و دلیلی بر پایان آن می‌شدیم. اما آیا دوباره ما مقصریم؟ این‌که خسته و دلزده شده‌ایم دلیل درستی بر این بی‌تفاوتی نیست؟ این‌که سختی در تأمین معیشت روزانه‌مان باعث شده از کنار دیگر اتفاقات به آرامی بگذریم، توجیه نادرستی است؟ اگر این دلایل موجهی است پس آنچه را که قرار است خروجی این گزارش باشد، همین‌جا اعلام می‌کنیم مقصر این بی‌تفاوتی شهروندان نیستند. هرقدر هم با خواندن آمارهای منفی و پژوهش‌های ساری به حسرت تکان بدهیم، هر چقدر هم این نتایج را با کشورهای دیگر مقایسه کنیم باز هم آنچه واضح است این‌که شهروندان حداقل در این

یک زمینه مقصر نیستند! آنچه مورد قبول جامعه‌شناسان هم هست این‌که تغییرات در کاهش بی‌تفاوتی جامعه ایرانی اتفاقی است که به نوعی از بالا به پایین سرایت کرده است، به این مفهوم که این تغییرات در بدنه تصمیم‌گیر و سیاستگذار بوده که باعث شده حالا به عنوان شهروندان این جامعه نسبت به اتفاقات و معضلات بی‌تفاوت شویم. برخی از آموزش نادرست و قوانین ناکارآمد حرف زده‌اند و برخی دیگر معتقدند این موضوع برخاسته از گذار جامعه به سمت مدرن‌شدن است و از این اتفاق گریزی نداریم. اما هر چه هست فاصله گرفتن ما از مفاهیمی همچون تعهد، مسئولیت و سلامت اجتماعی و گرفتاری در بند اقتی به نام بی‌تفاوتی پیامدهای بسیار جبران‌ناپذیری را می‌تواند به همراه داشته باشد.

پدیده نشانه‌هایی هم دارد، هر چند به برخی مصداق‌های آن اشاره شد اما آن‌طور که سالار اجتهدی می‌گوید نشانه‌های آشکار این مساله را می‌توان دلسردی، کناره‌گیری مدنی، تکنیک افراطی باعث حرکت خاموش خواسته‌های عمومی و نهایتاً بی‌اعتنایی نسبت به رخدادهای اجتماعی و سیاسی دانست.

جایگزینی بی‌تفاوتی با خشم

نکته‌ای که اغلب کارشناسان اجتماعی در آن اشتراک نظر دارند بروز پیامدهای تلخ افزایش بی‌تفاوتی است. اغلب آن‌ها معتقدند این بی‌تفاوتی باعث منافع شخصی از شهروندان به سمت تأمین حداقل‌های زندگی خواهد شد و این موضوع پیامدهای اجتماعی ناگویی به همراه خواهد داشت. سالار اجتهدی می‌گوید: «این نوع رفتارها در مشکلات باعث تقلیل گرایبی افراد می‌شود، چیزی که با ادامه این روند و در صورت ناتوانی در کسب همان حداقل‌ها تبدیل به یک خشم خواهد شد». رد این نگاه را حتی می‌توان در جامعه اطراف خودمان هم ببینیم. این‌که در مواجهه با هر مساله کوچکی تاب‌آوری خودمان را از دست می‌دهیم و آن را با خشمی عجیب جایگزین می‌کنیم، یکی دیگر از دلایل چرایی افزایش بی‌تفاوتی در جامعه ایران را بسیاری به اعتراض خاموش به حکومت تعبیر می‌کنند. آنها معتقدند طنازی در برابر همه مشکلات توسط شهروندان به نوعی هشدارآمیز است و گام ابتدایی این بی‌تفاوتی است.

توسط همسرش به قتل رسید هم از دیگر مصداق‌هایی است که به دلیل انعکاس گسترده‌اش در رسانه‌ها از یاد نرفته است. البته نمونه‌های این بی‌تفاوتی تنها به جنایت‌های این چنین آشکار نمی‌شود. گاهی این موضوع بی‌تفاوت است. معضل کهنه و تکراری آلودگی هوا هم قابل تأمل است، معضلی که با بی‌تفاوتی از کنار آن می‌گذریم، همچنین از سه‌شنبه‌های بدون خودرو استقبال کمی می‌کنیم و کمتر کسی از ما حاضر است در روزهای سه‌شنبه از بیرون بردن خودروی شخصی صرف نظر کند.

پیامدهای بی‌تفاوتی چیست؟

فهرست دلایل بی‌تفاوتی در پژوهش صورت گرفته توسط موسسه تحقیقات و رسانه بیش از اینهاست. آن‌طور که در این فصلنامه آمده مولفه‌هایی از جمله مهاجرت، گسترش شهرنشینی، گسترش سبک زندگی مدرن، ضعف نهادها و اعتقادهای مذهبی، از بین رفتن هویت‌های گروهی و محلی از دید کارشناسان با مساله بی‌تفاوتی ارتباط دارند. جامعه‌شناسان معتقدند این

وضعیتی است که در آن فرد نسبت به سرنوشت دیگر افراد جامعه بی‌تفاوت می‌شود. «در وضعیت بی‌تفاوتی، فرد احساس تعلق گروهی ندارد و نفع جمعی را به نفع فردی ترجیح نمی‌دهد. این در حالی است که فرد، خود عضوی از جمع است و نفع و منفعت خودی را هم شامل می‌شود.

چراما بی‌تفاوت شده‌ایم؟

اما برچه اساسی استدلال می‌کنیم که جامعه ایرانی بی‌تفاوت‌تر از گذشته شده است؟ پژوهش‌های بسیاری در دهه اخیر در این زمینه صورت گرفته است، تازه‌ترین‌شان مربوط به مطالعه‌ای است که موسسه مطالعات و تحقیقات رسانه در فصلنامه اخیر خود منتشر کرده و در سال ۱۳۹۷ با جامعه‌آماری شهر تهران صورت گرفته است. فارغ از شاخص‌های این مطالعات مشاهدات پیرامونی خود ما هم حکایت از کاهش شاخصی به نام تعهد اجتماعی دارد. اتفاقی که در سال ۸۸ در میدان کاج سعادت‌آباد تهران رخ داد و با درگیری بین دو رقیب عشقی یکی از آنها از یاد آمد و حاضران با تهدید مهاجم جرات دخالت پیدا نکردند و تنها به فیلمبرداری و پخش آن در شبکه‌های اجتماعی بسنده کردند یکی از مصداق‌های تلخ و فراموش‌نشده این موضوع است. واقعه دیگر که به یاد مانده از پا درآمدن دختر جوانی با ضربات چاقو روی پل مدیریت تهران در پیش چشم عابران بسیاری بود، فریادهای زنی در خیابان پاسداران که

بی‌تفاوتی و چند راهکار

در مرحله اول باید بدانیم بی‌تفاوتی ریشه روان‌شناسی اجتماعی دارد. به این مفهوم که اگر شهروندان احساس کنند طی چند دهه برای سیاستگذاران و مسؤولان اهمیتی ندارند و آنها تنها به دنبال کسب منافع شخصی خودشان هستند به این شکل شهروندان هم نسبت به موضوعات جامعه بی‌تفاوت می‌شوند. حجم بالای بازداشت‌ها و برخوردهای قضایی با اعضای نهادهی مثل شورای شهر مصداق بارز این موضوع است، هر

غفور شیخی

جامعه‌شناس



یادداشت:

جعفری‌ای

آسیب‌شناس

اجتماعی

به این خنده‌ها بگرییم

رومان رولان، نویسنده فرانسوی معتقد است ۹۰ درصد شوخی‌ها جدی است و آنقدر هم جدی است که لباس شوخی به تن کرده است! همین گفته نشان می‌دهد هر امر شوخی حکایت از طنزگونگی و تمسخر ندارد و این شوخی‌ها بیانگر حقیقتی هستند که حالا در لباس متفاوتی عرضه می‌شوند.

برای یافتن این‌که چرا اولین مواجهه جامعه ایرانی با هر پدیده‌ای شوخی و طنز است باید به این نکته اشاره کنیم که این موضوع معلول ناتوانی بدنه جامعه برای رساندن پیامش به مجموعه تصمیم‌گیر و سیاست‌گذار است.

وقتی رسانه‌ها حرف شهروندان را آن‌طور که باید انعکاس نمی‌دهند، وقتی شکاف بین سیاست‌گذاران و شهروندان افزایش پیدا می‌کند این موضوع خودش را در حجم بالای شوخی با هر پدیده‌ای نشان می‌دهد. دلیل ابتدایی این رفتار از سوی شهروندان را باید به این نکته نسبت دهیم که آنها چاره‌ای جز تخلیه روانی با شوخی و تمسخر هر اتفاقی را ندارند.

ماهیت اساسی طنز اغراق در یک مساله است. شهروندان وقتی نمی‌توانند مطالبات خودشان را با زبان حقیقت بگویند آن را در قالب شوخی و کاریکاتور بزرگ‌نمایی می‌کنند. نکته در این است که مسؤولان و تصمیم‌گیران نباید به این شوخی‌ها بخندند و بدتر از آن نباید با تمسخر پنداشتن آنها از کنار این موضوع بگذرند چرا که این شوخی‌ها به نوعی یک فریاد خاموش و اعتراض برجسته است.

از سوی دیگر مواجهه طنزآلود شهروندان با موضوعات اجتماعی را نمی‌توان مرتبط با بی‌تفاوتی آنها نسبت به جامعه تعبیر کرد. به این معنا که نمی‌توانیم این نوع مواجهه را دلیلی بر افزایش بی‌تفاوتی جامعه بدانیم. این نمایش هنرمندانه اتفاقا حکایت از تعلقات اجتماعی شهروندان دارد؛ تعلقاتی که البته در مرحله آخر تاب‌آوری شهروندان قرار دارد. به این مفهوم که شوخی آخرین مرحله از حس تعلق افراد به جامعه خودشان است.

فلسفه درآمیختگی هنر با رمز یا رمزینسازی هنر همین نکته است؛ این‌که وقتی افراد به واسطه دلایلی نمی‌توانند حرفشان را به مسؤولان برسانند اقدام به نمادسازی می‌کنند، به این مفهوم که در لباس هنر رمزنگاری می‌کنند تا حرفش را در قالب آن رمز و نماد عنوان کنند.

بی‌توجهی به این نوع مواجهه شهروندان و شوخی‌انگاری تصمیم‌گیران در رابطه با نمادسازی‌ها منجر به تبدیل این شوخی‌ها به خشم می‌شود.

آنچه آشکار است این‌که بی‌تفاوتی مسؤولان در برابر شوخی‌های شهروندان آنها را به این نتیجه می‌رساند که راهی جز اعمال خشونت برای آنها باقی نمانده است. این خشونت در ابتدا با تخریب و وندالیسم بروز می‌کند و پس از آن منجر نزاع می‌شود اتفاقی که در نهایت دودش به چشم جامعه می‌رود.